

## دانلود نمونه سوالات فلسفه اسلامی

[برای دانلود فایل اینجا کلیک کنید](#)

یعنی ذاتش هیچ اقتضایی ندارد؛ مثلاً ما انسان‌ها نه ذاتمان اقتضا میکند باشیم و ذاتمان اقتضا می‌کند که نباشیم. پس بودنمان هم ممکن است و هم نبودمان هم ممکن است. پس این موجود لا اقتضا ممکن الوجود هستند و یا امکان‌گفته میشود. پس ممکن الوجودی مساوی النسبت بین وجود و عدم. یعنی ۵۰ درصد ممکن است موجود باشد و ۵۰ درصد ممکن است معدوم باشد. پس ممکنات در موردشان می‌توانیم هم ضرورت وجود و هم ضرورت عدم را سلب نمود. به تعبیری به امکان سلب ضرورتین

گویند. (تین علامت مثنی است).

پس اگر تمام موجودات را غیر از خدا در نظر بگیریم وادی ممکن الوجود هستند. وقتی ما میخواهیم این موارد را تعریف کنیم برای موارد سهگانه ماتعریف حقیقی نداریم.

تعریف حقیقی در منطق یا به صورت حدی است و یا بصورت رسمی.

تعریف به حد شامل تبیین ذاتیات شی اعم از جنس و فصل قریب است. مثلاً: در انسان حیوان ناطق، که انسان جنس، و حیوان ناطق فصل است. رسم تعریف به خصوصیات و عوارض است. که شامل جنسی قریب به علاوه عرض خاص است. بیان میکند که تعاریف حقیقی اعم از حد و رسم شامل موجودات و مفاهیم ماهوی است در حالی که امکان، امتناع و وجوب از مفاهیم فلسفی است. مفاهیم فلسفی از سنخ وجود هستند؛ همانطور که در بحث وجود گفته شد، وجود تعریف حقیقی ندارد، او بدیهی است و بی نیاز از تعریف. به علاوه اصلاً تعریف حقیقی در مورد وجود محال بود.

این اصطلاحات و مفاهیم فلسفی نیز از این دسته اند یعنی محال است که بتوان آنها را به صورت حد یا رسم تعریف نمود. اینها جنس ندارند و فصل ندارند. پس تمام تعاریف ارائه شده در مورد مواد سه گانه تعریف لفظی است و حتی ممکن است تعاریف دوری باشد. منظور از تعریف دوری یعنی واجب را با امکان و امتناع تعریف میکنیم و یا بالعکس.

مثلاً ما میگوییم که واجب الوجود چیزی است که ممکن الوجود و ممتنع الوجود نباشد. یا به تعبیری که ممکن الوجود چیزی استنه وجود برایش ضرورت داشته باشد و نه عدم. پس چیزی که عدم و وجود برایش ضرورت ندارد، یعنی واجب الوجود نیست و ممکن الوجود هم نیست.

در ادامه بیان میکند که هر کدام از این مواد سه گانه در مقام فرض سه صورت ممکن است داشته باشد.

۱- بالذات باشد: یعنی خود ذاتش اقتضا یکی از این موارد را بکند، ذاتش اقتضاد وجود کند میشود واجب الوجود، ذاتش اقتضادی عدم کند ممتنع الوجود می شود. ذاتش اقتضا امکان کند، میشود ممکن الوجود. پس ما واجب الوجود بالذات داریم، یا ممکن الوجود بالذات و یا ممتنع الوجود بالذات.

واجب الوجود بالذات